

( 115 )

هو الابهى

ايتها الورقة الطيبة الناطقة بذكر الله آنچه از حنجره روحانی آن طیر گلشن انجذاب ظاهر بسمع قبول  
واصل و در حرم عز تقدیس بالحن بدیع تلاوت شد عبرات از چشمان جاری گشت و زفرات از قلوب بلند  
شد آتشی بدل و جان سکان حرم رحمن افکند و شعلهئی بفؤاد و اکباد طائران هوای یزدان انداخت آه و  
فغان بلند شد و ناله و حنین برافراخته گشت ارکان وجود متزلزل شد و کینونت شهود مضطرب گشت چه  
که حکایت مصیبت عظمی نمود و شکایت از رزیه کبری کرد ای ورقه ناطقه لسانرا بستایش پروردگار بی نیاز  
بگشا که در این ریاض احدیه محشور شدی و بذکر مالک بریه ناطق گشتی و در این فردوس اعظم جذب و  
شوق و وله و انجذاب داخل شدی و الهباء علیک و علی اخویک الذین انفقا حیاتهما فی اعلاء کلمة الله (ع ع)